

- یعنی وسوسه مینماید در سینه فراموش کاران - که از تیره جن و آدمی اند . بنا باین دو ترکیب که من الجنة والناس، متعلق به یوسوس یا بیان الناس باشد ، جن و آدمی وسیله وسوسه الوسواس الخناس ، یا پذیرنده وسوسه می باشند . و بهر صورت و با عطف الناس به الجنة ، اشعار به پیروی وهم اندیشی و همکاری آدمیانی با خناس یا الجنة دارد : همان گونه آدمیانی که بر اثر نقص روحی و عقلی یا بر اثر تلقینات شیطانی ، خناس صفت می باشند و از ایمان و صدق و اعمال خیر دیگران رنجور میشوند و کفر و گناه و انحراف مردمان را برای خود پیروزی می پندارند و بدون رویه و منظوری ، در افکار شکوک و شبهات القاء مینمایند و راههای شر و گناه و ستم را باز میکنند و راههای خیر و صلاح و عدل را می بندند و کفر و ظلم را زیر عناوین خیر و صلاح می پوشانند، و چون «خناس» همی نزدیک میشوند و فاصله میگیرند و راه نفوذ میجویند.

این دو سوره که با امر «قل» و خطاب به رسول اکرم «ص» یا هر مؤمن شایسته و پیرو آغاز شده ، اصول شرور و طریق حفظ از آنها را بیان نموده است . چنانکه گفته شد این شرور ناشی از چگونگی دریافت حوادث جهان و نوعی انعکاس آنها در ظرف مراتب وجود انسان می باشد و اگر انسانی در عرصه جهان نباشد، شرور و خیرات چگون دیگر مفاهیم، واقعیت و مقیاسی ندارند. از این جهت بمقیاس تکامل نوع انسان انواع شرور همچون خیرات وسعت و افزایش می یابند : در مرتبه حیات جسمی و حیوانی این نوع، شرور در حد عوامل و موجبات فناء فرد یا نوع است. و در مرتبه بروز قوا و استعدادهای نفسانی ، آنچه از رشد و فعالیت آن استعدادهای قوا جلوه گیری نماید یا آنها را بعقب راند یا منحرف گرداند. شر می باشد . و چون قدرت معرفت و تعقل و دریافت خیر و مصلحت کنونی و آینده فرد و اجتماع ، بارز شد و شخصیت انسانی صورت گرفت ، هر چه در جهت مخالف و مضاد آنها باشد شر است.

این دو سوره به شناخت انواع شرور بیکه متوجه مخاطب گزیده و هدفهای او میباشد و سپر و پناهی که باید از آسیب و صدمه آنها بخود گیرد ، هدایت نموده : آنچه از آغاز سپیده دم نور و حیات و هستی و هر چه همی رخ مینماید و خلق مطلق : «قل اعوذ برب الفلق - من شر ما خلق» . و آنچه نفس را تیره و قوای شهوت و خشم را

برمی انگیزد و منحرف میگرداند: «ومن شر غاسق اذا وقب». و چون شخصیت انسان با تشخیص مسؤولیتها و تصمیمها و پیمانها میخواید که نکوبین یابد و مشخص شود، دمیدنهای زنانه و از طریق عواطف، در خلال آنها راه می یابد: «ومن شر النفاثات فی العقد». اگر انسانی از این شورر سنگر گرفت و پیش رفت و دارای نفوذ و قدرت نفسانی شد و مردمی را به پیش برد، مردم زبون و سستی که واپس مانده اند و واماندگی آنها صورت عقدههای حسد در آمده، برانگیخته میشوند و از هر طریق میکوشند تا آنها را از چشم بیاندازند و راه نفوذشان را بگیرند: «ومن شر حاسد اذا حسد». این چهار گونه شریستکه انگیزنده و منشأ آنها خارج از نفوس میباشد و با تذکر صفترب و آثار تشریحی ربوبی آن و در آمدن به پناه قدرت و تربیت رب الفلق و در پرتو ایمان، میتوان از آنها مصون ماند.

چون آدمی به مرتبه کاملتری از عقل و اختیار رسید و میدان دید و قدرت تصرفش وسعت یافت و احساسش به مسؤولیت و تکلیفش بیشتر گردید، میدان قوه و اهمه نیز که راه نفوذ شیطان و در جهت مقابل اندیشه درست و دریافت حق است، بیشتر میشود و از درون قوای پیچیده نفسانی، خناس سر برمی آورد و پس و پیش میرود و آشکار و نهان میگردد و با وسوسه های گوناگونش هر چیز را بخلاف آنچه هست مینمایاند: حق را باطل، و واقع را غیر واقع، و صلاح را فساد و خیر را شر و شایسته را ناشایسته و بعکس. و پرتو ایمان و عقل را تیره مینماید و در دریافتها و استنتاجهای آن شك و تردید راه میدهد و قوای محرکه بسوی کمال را دچار توقف میگرداند، و برای نفوذ عوامل شریکه خارج از نفسند، رامرا باز مینماید تا شخص از هر جهت محکوم و مقهور او گردد. بفرمان این سوره «الناس» باید برای جلوگیری و بستن میدان نفوذ چنین شریکه از باطن آدمی سر بر می آورد و منشأ و انگیزنده دیگر شورراست، به سه صفت خداوند: «رب، ملك، اله» که اضافه به الناس شده، پناهنده شد، و چون انسان مظهر تجلی و تصرف این صفات گردید و تسلیم آنها شد و در سراسر قوای درونی و اراده و عملش نفوذ نمودند، راه تصرف و نفوذ وسوسه خناس و عوامل او «الجنه و الناس» بسته میشود. پس همینکه در پایه عقایدش شکی راه یافت با تنبه و تمسك بحقایق این —

صفات ایمان و یقینش افزوده میشود و چون انگیزه هوا و شهوت و خشم خواست او را برانگیزد، بصیر میشود و چون به آرزو و حسد کشانده شود به رضا و قناعت و بزرگواری باز میگردد و وسوسه هرگونه اندیشه و عمل نادرست و ناروا و گناهی، او را در جهت مخالف آن پیش میبرد تا در خود حکومت و قدرتی برتر از هر قدرت، و کمال و جمالی زیباتر و پایدارتر از هر کمال و جمال می نگرد، و در کاخ رفیع و محکم ایمان و تقوا و در پناه رب الارباب و ملك الملوك واله العالم، جای میگیرد و می آساید و از آن افق بالا دوزخ دوزخیان و عاقبت حزب شیطان و پیروان خناس را می نگرد.

این دو سوره که در پایان قرآن واقع شده - چنانکه گفته شد - طریق مصونیت و پناهندگی از شرور را ارائه میدهد که رسالت اسلام و تعالیم احکام قرآن و عقاید اجتماع مسلمانان را تهدید مینماید. شروریکه از زیر پرده نفوس نو مسلمانان و از ریشه های اوهام جاهلیت و دسائس دشمنان و حسودان سر بر می آورد و منقلب میشود و میدان را برای وسوسه خناسهای جن و انس باز میگرداند. آنسانکه این شرور و آفات، بنیان ایمان و عقاید اجتماع مسلمانان را سست نمود تا راه نفوذ وسوسه جادوگران و افسون دجالان در خلال عقاید و اخلاق و روابط اجتماع اسلامی بازگردید، و پرتو آیات - رب الفلق، رب الناس، ملك الناس، اله الناس - از قلبها و مغزهای مسلمانان غروب نمود و سایه شوم کاهنمنشان و سوداگران آئین و بازیگران خودکام گسترده شد. و آنچنانکه همین گونه شرور و آفات، در شرایع آسمانی و ادیان گذشته رخنه نمود و در چهره آئین درآمد و دین خدا را مسخ کرد و مردم گیتی را از راه مستقیم فطرت و حق و عدل که پیمبران خدا آورده بودند منحرف گرداند:

در حدیث از رسول خدا (ص) رسیده: هر که قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را بخواند آنچنانستکه همه کتابهایی را خوانده باشد که خداوند بر پیمبران خود نازل کرده، و از عقبه بن عامر از رسول خدا (ص) فرمود: بر من آیاتی نازل شده که مانند آن نازل نشده، و آن معوذتان است.

آیات این سوره با طول سه ایقاع آغاز شده - قل، اعوذ، برب الناس - و به آیات کوتاه و يك ایقاعی، ۳۹۲ پیوسته شده، و با مراتب صفات رب الناس، ملك الناس،

الذالناس، اوج گرفته ، و به آیه ۵۰۴ من شر الوساوس الذی ... تنزل و امتداد یافته و به آیه کوتاه ۶ ختم شده

امواج حرکات و سکنتات متنوع ، صدای برخورد نون مشدد و طنین سین که در فصول این آیات آمده ، جوی از برخورد و مرکزها را مینمایاند که میان نیروهای خیر و شر ، در میدان نفس انسانی در گرفته است . و حرکات صوتی و هیأت فعل «یوسوس» ادامه این مرکزها را اعلام مینماید . مرکزها یکی جن و انس را در برابر صفات رب بیدان میکشد . من الجنة والناس .

اسماء و هیأت فعلی که در این سوره آمده : الوساوس . الخناس ، یوسوس ، است .

پروردگارا ! نظر رحمت و لطف را از مسلمانان و دیگر مردم جهان مگردان!
و قلوب تیره و هراسناک را در پرتو و پناه اسماء و صفات روشن و آرام بدار!
جهاندارا ! مسلمانان و مردم جهان را از شرور و فتنه‌هایی که آفاق سیاره زمین را گرفته ، نگهدار!

در روزهایی که فتنه و آشوب سرزمین‌های مسلمانان را فرا گرفته و ایام عید قربان و غدیر (۱۳۸۸) و پایان سال شمسی ۱۳۳۷ ، نوشتن جزء آخر پرلوی از قرآن پایان یافت . ربنا قبل منا انک انت الصیغ العظیم .

www.KetabFarsi.com



www.KetabFarsi.com

حق طبع محفوظ



شرکت سهامی انتشار

تهران - خیابان باب همايون - سرای صبا تلفن ۳۱۳۹۱۱

تهران - خیابان ابوذر (مقابل شاهسابق) شماره ۲۶۶ - ۲۶۷

تلفن ۳۱۸۲۸۹

Kolbe Kitab Books
1518 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024 - USA
(310) 446-6151